

چهارشنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۷۷

WWW.FDN.IR

FARHIKHTEGANDAILY



میراحمدرضا مشرف پژوهشگر حوزه بین الملل

فردا ۱۹ بهمن ماه (۸ فوریه) انتخابات سراسری برای تعیین نمایندگان مجالس ملی و ایالتی در پاکستان، یکی از بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین کشورهای اسلامی برگزار خواهد شد. با توجه به ماهیت پارلمانی نظام سیاسی این کشور، این انتخابات برای دولت و مردم بسیار تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز خواهد بود، چراکه اغلب ارکان اساسی نظام سیاسی و دولت آینده از دل آن بیرون خواهد آمد. علاوه‌بر این شرایط سیاسی و مشکلات فعلی پاکستان هم باعث شده تا اهمیت انتخابات سراسری اخیر و نتایج حاصل از آن دوچندان شود. اشفنگی‌های سیاسی چند سال اخیر که از زمان برکناری عمران خان نخست‌وزیر سابق به نقطه اوج خود رسیده، بر روند زندگی اجتماعی، اقتصادی و حتی امنیتی مردم تاثیر بسزایی بر جای گذاشته است چنانکه در آستانه انتخابات اوضاع امنیتی به‌شدت آشفته، اقتصاد در رکود شدید، تورم در مرز ۳۰ درصد، سقوط ارزش پول ملی تا ۵۰ درصد و اوضاع امنیتی در اغلب مناطق در حد نامطلوب و بسیار نگران‌کننده قرار گرفته است. اگرچه با مداخله ارتش و تسلط نسبی آن بر کلیه امور طی چند ماه اخیر، برخی از این شاخصه‌ها روندی رو به بهبود را نشان داده‌اند، اما به‌نظر می‌رسد تا هنگامی که اوضاع سیاسی به ثبات نرسیده و سرنوشت قطعی دولت آینده روشن نشود، نباید انتظار داشت که این روندها و بهبودهای مثبت کوچک هم پایدار و دوامدار باقی بمانند. اکنون باید دید برگزاری انتخابات سراسری اخیر می‌تواند نوبدبخش فصلی نو در روند تثبیت سیاسی و اقتصادی این کشور شود؟

نگاهی به ساختار انتخابات سراسری در پاکستان

پاکستان با حدود ۲۴۰ میلیون نفر جمعیت، پنجمین کشور پرجمعیت جهان محسوب می‌شود که در این میان و براساس آخرین برآوردها، حدود ۱۲۸ میلیون نفر (۶۹ میلیون مرد و ۵۹ میلیون زن) برای رای دادن در این دوره از انتخابات واجد شرایط هستند. میزان مشارکت در انتخابات نیز به‌طور معمول خیلی چشمگیر نیست چنانکه در انتخابات سال ۲۰۱۸ تنها ۵۲ درصد واجدین شرایط در انتخابات مشارکت کردند که البته در مقایسه با بالاترین رکود ثبت شده (۶۱درصد) سال ۱۹۷۱، رقم قابل قبولی به‌نظر می‌رسید. تعداد شعب رای‌گیری در سراسر کشور هم کمی بیش از ۹۰ هزار شعبه اعلام شده است که در چهار ایالت بزرگ پنجاب، سند، خیبرپختونخواه و بلوچستان پراکنده هستند. انتخابات سراسری برای تعیین نمایندگان مجالس ملی و ایالتی انجام می‌شود. تعداد اعضای مجلس ملی نزدیک به ۳۴۰ نفر است که ۲۶۶ نفر از آنها از طریق انتخابات مستقیم و بقیه نیز در قالب سهمیه ویژه‌ای که شامل ۶۰ نفر برای زنان و ۱۰ نفر برای اقلیت‌ها می‌شود، تعیین می‌شوند.

سهم ایالت‌ها در مجلس ملی بسیار متفاوت است به‌طوری‌که ایالت پنجاب با ۱۴۱ کرسی انتخابی و ۳۲ کرسی ویژه زنان، از بیشترین سهمیه برخوردار است، پس از آن به ترتیب ایالت سند با ۶۱ کرسی انتخابی و ۱۴ کرسی ویژه، ایالت خیبرپختونخواه با ۴۵ کرسی به علاوه ۱۰ کرسی ذخیره شده و درنهایت ایالت بلوچستان با ۱۶ کرسی انتخابی و چهار کرسی ویژه قرار می‌گیرند. در این بین سه نماینده هم برای اسلام‌آباد تحت عنوان «منطقه پایتخت» در نظر گرفته شده است. براساس گزارشی که برخی منابع به نقل از کمیسیون انتخابات پاکستان منتشر کرده‌اند، بیش از ۲۸ هزار نفر خود را در این دوره نامزد حضور در مجالس ملی و ایالتی کرده‌اند که سه هزار زن هم در میان آنها وجود دارد. سیستم انتخاباتی نیز بر مبنای رای اکثریت نسبی است یعنی هر نماینده‌ای که بیشترین رای را در منطقه کسب کند، صرف‌نظر از درصد آرا، پیروز انتخابات محسوب می‌شود.

مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی انتخابات سراسری

برگزاری انتخابات سراسری پارلمانی در حال حاضر با مشکلات متعددی مواجه است. در این راستا مساله تامین و برقراری امنیت اولین و مهم‌ترین معضل محسوب می‌شود. طی دوسال گذشته و بر اثر گسترش فعالیت گروهک‌های مسلح و تروریستی همچون داعش خراسان، تی‌تی‌پی و جدایی‌طلبان بلوچ، اوضاع امنیتی در بسیاری از مناطق پاکستان به‌شدت وخیم بوده است. نگاه به آمارهای منتشر شده، آن هم صرفا در مورد حملات انتحاری انجام شده در سال ۲۰۲۳ می‌تواند به خوبی وخامت اوضاع امنیت را نشان دهد؛ ۲۹ حمله انتحاری ۳۲۹ کشته و ۵۸۲ زخمی؛ ارقامی که از سال ۲۰۱۴ تاکنون بی‌سابقه بوده‌اند. در این شرایط هر چه به

فردا انتخابات پارلمانی در پاکستان آغاز می‌شود

نظامیان زیر نقاب دموکراسی

می‌گردد. پایگاه اصلی حزب ایالت بزرگ و مهم پنجاب است و با توجه به تعداد کرسی‌های پنجاب در مجلس ملی، این حزب به دفعات توانسته دولت را در اختیار گیرد. نواز شریف، رهبر فعلی حزب تاکنون سه بار نامزد نخست‌وزیری شده و اگر این بار هم موفق شود، در این زمینه رکوردی منحصر‌به‌فرد از خود به‌جای خواهد گذاشت. مسلم لیگ در سال‌های اخیر با انشعاباتی مواجه شده است، اما شاخه نواز همچنان مهم‌ترین و اصلی‌ترین جریان محسوب می‌شود. سقوط دولت نواز شریف در سال ۲۰۱۷ و به‌دنبال آن محکومیتش به فساد و خروج فرازگونه‌اش از کشور، موقعیت حزب را در چند سال اخیر تضعیف کرد؛ اما از آنجا که حزب در برکناری عمران خان با ارتش همراه شده و شهباز شریف به ریاست دولت ائتلاف ضد عمران‌خان برگزیده شد، یکبار دیگر قدرت حزب مسلم لیگ و خاندان نواز تحکیم شد. در چنین شرایطی باگشت غیرمترقیه نواز شریف از لندن و سپس لغو محکومیت و بسته شدن سریع پرونده‌های فساد مالی‌اش از سوی دادگاه‌ها، این شائبه قوی را به وجود آورده است که میان حزب مسلم لیگ و حاکمیت (نظامیان) توافقاتی برای دولت آینده انجام گرفته است. دلایل زیادی وجود دارد که این ادعا را تقویت می‌کند؛ رغبت شدید احزاب کوچک برای ائتلاف سیاسی با حزب مسلم لیگ، ملاقات‌های متعدد دیپلمات‌ها و نمایندگان خارجی با نواز شریف و تحرکاتی که ارتش در حمایت از این حزب انجام می‌دهد؛ همگی می‌توانند گواه آن باشند که مسلم لیگ را باید یکبار دیگر در راس هرم دولت پاکستان دید. اما حزب مسلم لیگ نواز به‌رغم برخورداری از این موقعیت ایده‌آل سیاسی، ظاهرا با مشکلاتی داخلی دست و پنجه نرم می‌کند. بر این اساس همکاری دو برادر که هر دو سابقه نخست‌وزیری دارند باعث شده تا رقابتی درون خاندانی در میان آنها شکل گرفته و هر کدام درصد بازرگیری‌های جداگانه برآیند. اقدامات مرم نواز دختر نواز شریف و رئیس اجرایی حزب در جذب افراد وفادار به خودش و پدرش در حوزه‌های مختلف پنجاب و در پی آن واکنش اعتراضی «حمزه» پسر شهباز شریف به این اقدامات عمو و دخترعمویش را باید در همین راستا مورد ارزیابی قرار داد.

ب) حزب مردم پاکستان؛ حزب مردم یکی دیگر از احزاب قدیمی پاکستان است که تاکنون چندین بار موفق به تشکیل دولت نیز شده است. کادر رهبری حزب عمدتا از خاندانی و از خانواده بوتو هستند که دو نفر از آنها، یعنی ذوالفقار علی بوتو و بی‌نظیر بوتو جان خود را در صحنه منازعات سیاسی از دست دادند. بلاول بوتو زرداری جوان، پسر بی‌نظیر بوتو، اکنون رهبری حزبش را برای حضور در عرصه رقابت‌های انتخاباتی اخیر برعهده دارد. پدرش آصف علی زرداری مدتی سمت رئیس‌جمهوری پاکستان را برعهده داشت. آصف زرداری نیز به مانند اکثر رهبران سیاسی پاکستان با اتهامات فساد مواجه است که البته به لطف همکاری با ارتش در برکناری عمران‌خان و مشارکت حزب در دولت ائتلافی پس از سقوط خان، اخیرا حکم تبرئه وی از این اتهامات صادر شد.

یک شمشیر دولبه را داشته است، از یکسو پرونده او از فساد و زدوبندهای سیاسی پاک است و می‌تواند در جذب جوانان به سوی حزب موثر باشد، از سوی دیگر خامی و نابخشودگی او می‌تواند او را از معادلات درونی و پنهان قدرت در پاکستان دور کند. در حال حاضر و در انتخابات اخیر به نظر می‌رسد که وی تمركز خود را روی حوزه اقتصاد قرار داده و برنامه مدون اقتصادی را با عنوان طرح نجات اقتصادی پاکستان ارائه داده است. وی به مردم و به‌خصوص جوانان پاکستانی تاکید می‌کند یکبار به وی اعتماد کنند تا ببینند منشأ چه تحولاتی در این کشور خواهد شد. با این همه مشخص است که با توجه به حضور سیاستمدار کهنه‌کار و پخته‌ای چون نواز شریف و ارتباطات محکم او با ارتش، بلاول بوتو امیدواری چندانی به پیروزی در انتخابات و تشکیل دولت توسط حزبش ندارد. همین ناامیدی باعث شده که وی حتی به هواداران حزب تحریک‌انصاف پیشنهاد اتحاد و همکاری در برابر نواز را بدهد که البته با واکنش منفی خان و حزب تحریک‌انصاف مواجه شد.

ج) حزب تحریک‌انصاف؛ حزبی کاملا نوپا که ترقی خیلی سریع آن در ساختار پیچیده قدرت پاکستان، گمانه‌زنی‌های زیادی را درمورد ارتباطات آن با ارتش به وجود آورد. شخصیت کاریزماتیک عمران‌خان و محبوبیت بالای وی در میان مردم، پرونده شفاف و عاری از هرگونه فساد وی و درنهایت تمایل ارتش به ایجاد ضلع سوم قدرت را سه عامل مهم پیروزی وی و حزبش در انتخابات ۲۰۱۸ دانسته‌اند.

اما همان طور که ورود و اوج‌گیری عمران‌خان و حزبش

روزهای انتخابات نزدیک‌تر شده‌ایم بر دامنه و شدت این حملات نیز افزوده شده است چنانکه در یک حمله در دیره اسماعیل‌خان منطقه خیبرپختونخواه بیش از ۱۰ نظامی پاکستانی کشته شدند یا در موردی دیگر و در بلوچستان حمله به یک برنامه انتخاباتی بیش از ۱۰ کشته و مجروح برجای گذاشت. چند ماه قبل هم انفجار بمب در برنامه انتخاباتی حزب جمعیت علمای اسلام در ایالت خیبرپختونخواه به کشته و مجروح شدن ده‌ها نفر انجامیده بود. به‌نظر می‌رسد تلاش و کوشش فراوان ارتش برای کنترل اوضاع نیز چندان نتیجه‌بخش نبوده و در حال حاضر اکثر حوزه‌ها در ایالت‌های پرنشئی مانند بلوچستان و خیبرپختونخواه با معضلات مهم امنیتی روبه‌رو هستند. اما علاوه‌بر مساله امنیت، برخی از حوزه‌ها هم با مشکلات ناشی از سرما و برودت هوا و صعب‌العبوری برخی حوزه‌های انتخاباتی مواجهند. در ایالتی مانند خیبرپختونخواه هم اکنون شاهد بارش برف و برودت شدید هوا هستیم و با تفتیق این موضوع با معضلات امنیتی، معلوم نیست چند درصد از شعب رای می‌توانند فعالیت خود را به شکلی کامل و قابل اطمینان عرضه کنند. در سایه پیش‌بینی وقوع چنین مشکلاتی است که مولانا فضل‌الرحمان، رهبر حزب جمعیت علمای اسلام که پایگاه اصلی حزبش در منطقه خیبرپختونخواه قرار دارد، بارها از دولت پیشین به رهبری شهباز شریف و همچنین از دولت موقت فعلی درخواست کرده است در مورد تاریخ برگزاری انتخابات سراسری تجدیدنظر کنند. با این حال تمامی این درخواست‌ها از جمله درخواست چند روز پیش وی، با بی‌اعتنایی ارتش، دولت و احزاب سیاسی دیگر مواجه شد. اما در کنار چالش‌های امنیتی و اقلیمی، مساله دیگری وجود دارد که بر روند برگزاری این دوره از انتخابات تاثیر بسزایی خواهد داشت؛ دلسردی و عدم‌انگیزه و اشتیاق مردم برای مشارکت در انتخابات اخیر بدون شک یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی این انتخابات خواهد بود، مجموعه اتفاقات سیاسی که در چند ماه اخیر رخ داده است، ازجمله انحلال حزب تحریک‌انصاف و دستگیری عمران‌خان و دیگر اعضای ارشد آن و در کنار آن باگشت ناگهانی نواز شریف به پاکستان و رفع سریع و بدون دردسر اتهامات فساد از وی و دیگر اعضای خانواده‌اش، باعث شده است بسیاری از رای دهندگان پاکستانی به این باور برسند که آنها کمترین نقش را در تعیین سرنوشت این انتخابات ایفا خواهند کرد و نه تنها نتایج انتخابات از پیش تعیین شده است، بلکه اکنون اصلی قدرت نه در مجلس و دولت، بلکه در جای دیگری متمرکز شده است. «امنیت بت»، بازیگر سرشناس پاکستانی حال و روز مردم در آستانه انتخابات را این‌گونه توصیف می‌کند: «اکثر آشنایان و دوستانی که با آنها صحبت کردم به من می‌گفتند رای نخواهند داد زیرا رای آنها تاثیری در روی کار آمدن دولت آینده با رای اکثریت نخواهد داشت. بیابید مثبت فکر کنیم و حرف از تقلب در انتخابات را کنار بگذاریم و نگوئیم کسی که به آن رای می‌دهیم، سکان قدرت در دستش نخواهد بود. ممکن است این حرف درست باشد، اما من می‌گویم باید به وظیفه خود عمل کنیم.»

شرایط انتخاباتی احزاب سیاسی پاکستان

در تمامی ایالت‌های پاکستان احزاب سیاسی کوچک و بزرگ فراوانی مشغول فعالیت هستند که به استناد آمار کمیسیون انتخابات این کشور، در انتخابات اخیر نامزدهای ۱۶۶ حزب اعلام مشارکت کرده‌اند. طبیعی است تمامی این احزاب قابلیت ورود به مجلس را نداشته باشند، اما در مورد احزابی که از قابلیت تشکیل دولت برخوردار بوده‌اند باید گفت که از زمان تاسیس پاکستان تاکنون، چرخه اصلی قدرت میان دو حزب مسلم لیگ (پی‌ام‌ال) و حزب مردم (پی‌پی‌پی) در حال گردش بوده است. تنها استثنا‌ی مهم در انتخابات دوره قبل شکل گرفت؛ در جایی که عمران‌خان با حزب نوپای تحریک انصاف توانست این رقابت دوقطبی را به مثلث رقابت‌های حزبی در راستای کسب قدرت تبدیل کند. اگرچه به‌نظر می‌رسد با انحلال رسمی حزب تحریک‌انصاف، ساختار اصلی گردش قدرت در پاکستان یک بار دیگر دوقطبی شده، اما هنوز کمی زود است که از حذف کامل این حزب از صحنه اول منازعات قدرت سخن گفت.

درعین‌حال رقابت دو یا سه حزب بزرگ سیاسی ما را نباید از نقش موثر و بعضا تعیین‌کننده برخی احزاب کوچک و حتی محلی غافل کند. احزاب کوچک در شرایطی که قطب‌های اصلی نتوانند اکثریت لازم را کسب کنند، در تشکیل دولت ائتلافی و چرخش قدرت سهم مهمی خواهند داشت، به‌خصوص اینکه حفظ آنها برای حاکمیتی (لقبی که

در پاکستان به نظامیان داده‌اند) که نمی‌خواهد اختیارات کامل را به قطب‌های حزبی بسپارد، بسیار ارزشمند است.

الف) حزب مسلم لیگ (شاخه نواز)؛ این حزب یکی

از قدیمی‌ترین احزاب سیاسی پاکستان است که حتی

پیشینه آن به قبل از تاسیس کشور مستقل پاکستان باز

در صحنه سیاسی پاکستان با کمک حاکمیت (نظامیان) میسر شد؛ همین عامل هم نقشی اصلی و حیاتی را در به زیر کشیدن وی و حزبش از قدرت بازی کرد. درست از زمانی که خان با ارتش و نظامیان پاکستان مشکل پیدا کرد دردسرهای عظیم وی و حزبش نیز آغاز شد. در ابتدا نظامیان با به زیر کشیدن عمران‌خان از طریق یک شبه‌کودتای سیاسی در مجلس یک بار دیگر نشان دادند که چه کسی حرف اول و آخر را در صحنه سیاسی پاکستان می‌زند. بعد از آن نیز با وارد کردن اتهامات متعدد به شخص عمران و اعضای ارشد حزب تحریک‌انصاف، نه‌تنها زمینه انحلال حزب را فراهم کردند، بلکه پرونده پاک سیاسی عمران‌خان را به لجن کشیدند؛ محکومیت ۱۴ ساله به اتهام فروش هدایا و اموال دولتی، محکومیت ۱۰ ساله در پرونده افشای اسرار محرمانه دولتی و شاید از همه بدتر محکومیت هفت‌ساله خود و همسرش بشری بی‌بی، به اتهام ازدواج غیرقانونی و غیرشرعی تنها بخشی از برنامه‌های برنامه‌ریزی شده برای وی بوده است.

در این میان اشنبها سیاسی بزرگ خان و حزبش در عدم کنترل هواداران و وقوع شورش‌های خونین اردیبهشت‌ماه، بهانه کافی را در اختیار ارتش قرار داد تا به قلع و قمع کامل حزب و مقامات ارشد آن از جمله قریشی وزیر خارجه سابق و سیاستمدار کهنه‌کار پاکستانی روی آورد. اعلام ممنوعیت فعالیت حزب در انتخابات اخیر و گرفتن نماد حزب که البته با کش‌وقوس‌های فراوان قانونی توأم شد، آخرین میخی بود که ارتش بر تابوت حزب تحریک‌انصاف وارد کرد.

اما به‌رغم همه این اتفاقات به نظر می‌رسد که ارتش هنوز هم نسبت در موقعیت و محبوبیت سیاسی خان و حامیانش نگرانی‌های جدی دارد. اقدامات روزهای اخیر ارتش در حمله به میتینگ‌های تبلیغاتی غیررسمی حزب تحریک‌انصاف و دستگیری گسترده هواداران و اعضای حزب که برخی به شکلی مستقل در انتخابات مشارکت کرده‌اند همگی می‌تواند نشانه‌هایی از تداوم ترس و نگرانی از خان و حامیانش باشد. از سوی فراخوان عمران‌خان و گوهر علی خان رئیس جدید تحریک‌انصاف خطاب به هواداران برای مشارکت در انتخابات حکایت از آن دارد که آنها نیز هنوز از انتخابات کاملا مایوس نشده‌اند و چشم امید به راهیابی اعضای دارند که به شکلی مستقل در انتخابات حاضر شده‌اند. این اعضا ممکن است بتوانند فراکسیونی نسبتا قوی در مجلس تشکیل دهند اما با توجه به ماهیت مستقل غیرحزبی‌شان هیچ‌گاه نخواهند توانست در دولت یا ائتلافی از دولت حضور داشته باشند.

نظامیان و مهندسی انتخابات

در رابطه با انتخابات کنونی دو سوال مهم مطرح است؛ اول اینکه چه حزبی و در واقع چه شخصی پیروز این انتخابات خواهد شد؟ دوم قدرت دولت آینده در صحنه سیاسی پاکستان به چه میزان خواهد بود؟ درمورد اول شواهد و قراین بر این اتفاق نظر دارند که حزب مسلم لیگ را از هم‌اکنون باید پیروز انتخابات تلقی کرد. مواضع نظامیان، رفتارهای و تعاملات حزب مسلم لیگ و رهبری آن و مواضع احزاب رقیب نیز ما را به چنین برداشتی نزدیک می‌کند. پس باید پذیرفت که دولت آینده به مسلم لیگ و نواز شریف تعلق خواهد داشت. اما بحث اصلی بر سر چگونگی تشکیل این دولت است. سنجش محبوبیت و قدرت احزاب مختلف ازجمله مسلم‌لیگ، مردم، احزاب مذهبی چون جمعیت علمای اسلام و جماعت اسلامی و در کنار آنها مستقل‌های وابسته به تحریک‌انصاف؛ ما را به این نتیجه‌گیری سوق می‌دهد که هیچ یک از احزاب قادر به تشکیل دولتی مستقل نبوده و باید دولتی ائتلافی شکل بگیرد. تمایل ارتش و نظامیان نیز بر چنین مبنایی قرار دارد؛ چراکه تجربه دولت عمران‌خان به آنها نشان داد که یک حزب یا دولت قدرتمند درنهایت به ماهیت قدرت آنها در ساختار سیاسی پاکستان آسیب وارد خواهد کرد. پس در وهله اول باید دولت از عناصری همراه با ارتش تشکیل شود. اعلام مشارکت احزابی چون جمعیت علمای اسلام که با ارتش رابطه بسیار مستحکم و نزدیکی دارند، در دولت ائتلافی احتمالی نواز شریف در راستای تحقق همین ایده انجام می‌گیرد. در وهله دوم بر نامه‌ریزی ارتش و نظامیان بر این مبنا خواهد بود که قدرت این دولت در عرض یا حتی پایین‌تر از قدرت آنها قرار داشته باشد. اقدامات فعلی نظامیان در عرصه تثبیت ساختار روابط خارجی و اقتصادی و پذیرفتن تعهدات سیاسی به جای دولت را باید در همین محور مورد ارزیابی قرار داد. بدون شک در آینده و با تشکیل هر دولتی، حداقل در کوتاه‌مدت و میان‌مدت ارتش تسلط خود را در حوزه‌های مهم سیاست خارجی و حتی اقتصادی حفظ خواهد کرد. به این ترتیب بر خلاف گذشته، ارتش برای سلطه بر ساختار قدرت نیازی به انجام کودتا ندارد بلکه می‌تواند این کار را بدون هیاهو و در واقع در زیر نقابی از دموکراسی به انجام برساند.

